

درباب تراکمه

چون در این موقع فصل دزدیدن جو، گندم است. لهذا سوارهای ترکمان بعضی فرار کرده و به اجازه نواب والا آمدند.

درباب گمرک

۲۴ ماه مذکور خبر رسید محمدعلی خان از طرف نواب والا به سمت سرحداری بندر جز وارد [شده] حسب الامر گمرک بندر جز را با گمرک مشهد سر ضبط نمودند.

درباب سرقت

روز بیست و پنجم ماه می یک نفر آخوند بسطامی به شهر آمده عارض شد یک فرسخی مشرقی دو نفر ترکمان او را لخت کرده، سی و هفت تومان وجه نقد بالباس آخوند را غارت کرده بردند. گماشتگان ایالتی به امر سالار امجد پسر امیر توپخانه پشت گردنی به آخوند زده بیرون کردند.

درباب تلگراف

مهدی شاه امیر پنجه ملقب به شجاع السلطنه حسب الامر نواب سالارالدوله به عموم خوانین و سرکرده ها تلگراف نموده هر یک را با سوار خود احضار به مازندران نمودند، بعضی از ترس قونسول و شیخ محمد باقر جواب داده قوه حرکت نداریم. برخی را پولتیک روسها مانع شده از دو طرف ترس دارند. بیست و ششم ماه مذکور خبر رسید علی اکبر خان امیر عشایر به اتفاق میرزا هادی خان سرتیپ با چند نفر سوار فندرسکی از راه صحرا حرکت به مازندران رفتند. تاجه شود.

درباب امیراکرم

مشارالیه چندی بدقریه کفشگیری رفته متزلزل شد. حیدرقلی خان مسعود السلطان باسی سوار خدمت سالارالدوله رفته، امیراکرم باعلاقه خود به شهر مراجعت نمودند.

درباب امیر اعظم

چند نفر سوار شمرزادی ۲۸۲ از طرف نواب والا در چهارده کلاته به عنوان قراولی مأمور گردیده لکن شغل ایشان دزدی و راهزنی می باشد. از قرار مذکور امیر اعظم مشغول تهیه سوار و پیاده می باشد.

نمره ۱۳

۵ ماه جون رفت

درباب شوکت نظام

مشارالیه چندی بعد از قتل سردار ارشد گرفتار مجاهدین گردیده در طهران حبس بود. زمان ورود امیراعظم به شاهرود به سبب اغتشاش راه، امنیت راه سمنان را الی ۲۸۴ خراسان به عهده شوکت نظام قرار داده با چند قبضه تفنگ فرستادند. ورود به سمنان علی عسکرخان یاور به تحریک امیراعظم او را لخت نموده مغلولاً به شاهرود آوردند. امیراعظم چندی گذشت اسباب چینی کرده املاک او را ضبط می نماید. مجدداً در صدد اذیت مشارالیه برآمده. سلخ ماه می فراراً به استرآباد آمدند. تاچه اقتضا کند.

درباب سالارالدوله

خبر ورود قشون طهران به فیروزکوه [را] نواب والا دربار فروش شنیده به سمت آمل حرکت می کند. چند نفر سوار زبده بامهدی شاه امیر پنجه ملقب به شجاع السلطنه برادر ایلیخانی و سیدی نام ساکن کردمحل را همراه برداشته از راه محمودآباد به سمت خرم آباد رفته، سایر سوارهای استرآبادی و متفرقه را مرخص نمودند.

درباب گمرک

میرزا علی خان حسب الامر نواب والا گمرک بندر جز را ضبط ۲۸۵ کرده هزار و سیصد تومان وجه دریافت نموده بعد از فرار نواب والا رئیس گمرک فرستاده وجه را از میرزا علی خان پس بگیرند. مشارالیه در منزل اگنط روس پناهنده شده هزار و یکصد و سی تومان گمرک رامسترده داشت.

درباب ورود قشون

سیم ماه جون خبر رسید قشون طهران وارد ساری گردید. اهالی مازندران متزلزل می باشند.

درباب تعدی روسها

به عرض رفته بود بعد از آبادی قریه سنگ دویین که به اشتباه و جبراً تصرف کرده و متعلق به دولت می باشد، تصرفات در آبهای فندرسک می کنند. علی اکبر خاق امیر عشایر امر نموده جلوگیری از گماشته کموسر می نمایند. مطالب را به قونسول روس اطلاع داده یک نفر غلام روس برای تحقیقات به فندرسک رفته، امیر عشایر و امیر امجد را به شهر بیاورند.

نمره ۱۴

۱۶ ماه جون رفت - ۱۹۱۳

درباب روسها

به عرض رفته بود علی اکبرخان امیرعشایر با آقاخان امیرامجد جلوگیری از آبهای فندرسك و كتول کرده، گماشته کموسر را بیرون نمودند. هفتم ماه جون کموسر بایك عده سوار چکت و قزاق به قونسرخانه وارد شد، بعد از ملاقات با امیرتوپخانه قرار شد به قوه مجریه علی اکبرخان با آقاخان و آقاسید علی محمدکتولی را مغلولا به شهر آورد. ایالت به میل کموسر رفتار نماید. نهم ماه مذکور دونفر غلام قونسول بایست سوار چکت و بیست نفر قزاق روس به سمت فندرسك رفته اطراف قریه شیرآباد واقع در فندرسك [را] که محل سکونت علی اکبرخان است محاصره می نمایند. به دستورالعمل قونسول یورش غیر رسمی آورده داخل قریه شدند. کسی را ندیده. دوازدهم ماه جون يك نفر کدخدای شیرآباد که مریض بوده گرفته مراجعت کردند. بعضی می گویند خوانین مذکور فرار آبه سمت سبزوار رفته اند و برخی می گویند در جنگل فندرسك منزل دارند. تاچه اقتضا کند.

درباب روسها

کلیه حرکات روسها در استرآباد از روی نقشه پطرکبیر است. زیرحد جنگل قریه کردمحل پنچ فرسخی مغربی که منتهی می شود به قراسو موسوم است به ملاکیه و کنار دریا از خط آب سیاه بالا که تمام شعبات آب استرآباد وارد به این خط می شوند يك فرسخی مقابل آق قلعه مسافت با رود گرگان است، لکن از قراسو تا گرگان که نزدیکی خوجه نفس می باشد سه فرسخ مسافت دارد. این خط از غرب الی شرق که انتهای خاک گوکلان است به خط استوا سی فرسخ خواهد بود. خیالات روسها تصرفات در این خط می باشد. خط مزبور يك فرسخ در شمالی شهر واقع است که اراده راه آهن دارند و املاک مردم را خواه وقف باشد یا متعلق به صغار و کبار، به تصدیق امیرتوپخانه و شیخ محمدباقر تصرف کرده می برند. ابدأ اعتنائی به اسناد سیصدساله مردم ندارند. صاحبان املاک وقف و غیره آنچه به کارگزاری تظلم می نمایند کارگزاری چندی به طفره می گذرانند. آخر الامر می گوید دولت ایران ضعف دارد، روسها از ما گوش نمی کنند. افواها می گویند قونسول استرآباد معزول است. تاچه اقتضا کند.

نمره ۱۵۵

۲۶ ماه جون

درباب سالاراللوئه

از قراری که سیدی ساکن کرد محله از جنگ تین کابن ۲۸۶ فراراً آمده اظهار داشت، قبل از حرکت نواب والا از بار فروش دوسه مرتبه از طرف امیر اسعد پسر سپهدار ارسال مرسول شده بود و قرآن مهر کرده بودند که شما به خرم آباد بیائید. نواب والا بادویست سوار می روند به سمت آمل. استخاره کرده خرم آباد بروند خوب نیامد. سوء ظن از امیر اسعد بد فرج آباد رفته پراخوت تجارتی در آنجا بود، هزار مناط کرایه نموده خود بامهدی شاه برادر ایلخانی و بیست نفر اجزاء مخصوص و اسب و لوازمات شخصی وارد پراخوت گردیده. رشیدسلطان با سیدی و صدو هشتاد سوارها دستور العمل داده من در رودسر بیرون می آیم و شما هم بین راه خود را بدمن برسائید، توقف نکنید. امیر اسعد قبل از وقت دوسه نقطه در کنار دریا سنگر داشته. رشیدسلطان با سوارها وارد عبدالله آباد تین کابن گردیده شلیک تفنگ می شود. یک مرتبه چند نفر سوارها مقتول شده. رشیدسلطان امر کرده باقی سوار پیاده می شوند. دوساعت طرفین نزاع کرده، پسر امیر اسعد با همراهانش سنگر را خالی می کنند. رشیدسلطان سوار شده از قرار مذکور پسر امیر اسعد بادوسه نفر صاحب منصب و عده زیادی [را] مقتول ساخته برگردیده، داخل یک قریه می شوند. فوراً امیر اسعد ایلجاری فرستاده اطراف قریه را می گیرند. دو روز [و] دوشب طرفین نزاع کرده، در صورتیکه گرسنگی و تشنگی به ایشان غلبه کرده، شب دویم رشیدسلطان می گوید رفتن از توی اینده بهتر است تا اینکه دستگیر بشویم. سوار به اسب شده از یک طرف شلیک تفنگ کرده می روند به سنگر دیگر رسیده دچار گلوله می شوند. بعضی مقتول [می شوند] و برخی فرار [می کنند]. اسب رشیدسلطان تیر افتاده بادونفر سوار به سمت پیاده جنگل می روند. سیدی با بعضی سوارها نجات یافته به مشهدسر آمدند. رشیدسلطان تا علاج وارد دهی شده پیر مردی آنجا بود. پنج تومان داده نان و آب بیاورد. پیر مرد فوراً خبر کرده گماشتگان امیر اسعد آمده مغلولاً او را خدمت ایشان می برند. از قرار مذکور رشیدسلطان اصلاً ترك بوده. به درخت بسته تیرباران می نمایند. بعد از قتل او را در چاهی انداختند. تجار مسیحی این مطلب را مخبر شده به امیر اسعد ایراد کرده بعد از قتل سزاوار نیست نعش را در چاه بیندازید. پنج تومان داده نعش رشیدسلطان را بیرون آورده بعد از شستشو دفن می نمایند.

درباب شیخ محمد باقر

در خاک روسیه اعلان شده شیخ ملك فروشی در استرآباد است. تجار مسیحی دسته

دسته وارد استرآباد می‌شوند و املاک چهارصدساله مخروبه را می‌خرند و تصرفات می‌نمایند. من جمله سه روز قبل شیخ محمدباقر هزار قسمت اراضی صحرای کمالان [را] که متعلق به کتول و جزو خالصه دیوانی می‌باشد مبلغ بیست هزار تومان به‌تجار روس فروختند. درفروختن املاک به روسها چهار نفر باهم متفقند: شیخ محمدباقر، شیخ حسن جزی، شیخ طاهر، سیدابوتراب.

نمره ۱۶

درباب روسها

اولاً در هر نقطه استرآباد تصرفات مالکانه می‌نمایند و تمام بلوکات استرآباد را احاطه کرده، قونسول خیال دارد از قونسلخانه به قریه باغ گلبن تلفون بکشد. در ضمن میرزا علی اکبرخان گماشته سپهدار اظهار داشت دهات خالصه را تلفون بکشند و قراء خالصه را مانند فوجردی و علوی کلاته یک فرسخی مغربی که اراضی زیاد دارند وصل سیاه بالو اترآچال که ملک سیصدساله مردم است جداً تصرف خواهند کرد. من جمله آقاسید هاشم بنی کریمی یک قباله کهنه از دو بیست سال قبل به اسم زنی از طایفه قاجاریه بیرون آورده دو فرسخ در دو فرسخ اراضی مغربی شهر [را] که طرف شرق منتهی می‌شود زیر حد قریه محمدآباد شمال برمی‌خورد به گرگان و خوب احاطه می‌کند دهات مغربی شهر راز قبیل هاشم [آباد] و آزاد محله خریداری حاجی سیدطاهر مجتهد است. قریه له‌له‌دوین و حیدرآباد ویساقی که متعلق است به سیصد نفر سادات بنی مفیدی و قاجاریه، آقاسید هاشم مذکور به همدستی آقاشیخ محمدباقر اراضی مزبور را به ایوانف رئیس تلگراف روس فروخته. قونسول در باطن شریک است. یک دانگ ونیم ملک قرار است با سیدهاشم بدهند، به انضمام هشت هزار تومان وجه. هزار تومان شیخ محمدباقر حق الزحمه بگیرند. هزار تومان هم بدهند شیخ حسن جزی و آقاسید ابوتراب و آقاشیخ طاهر. لکن پسران حاجی سیدطاهر و سادات مفیدی مستحضر شده چند روز است با قونسول مذاکره دارند و همه روزه انجمن کرده حاضر شده‌اند برای این کار جداً نزاع نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب حکومت

غره ماه جولای سردار افخم غلامحسین خان تلگرافی به کار گزار استرآباد نموده از طرف من نایب‌الحکومه می‌باشید. از آنجائی که کار گزار نمی‌تواند از اوامر روسها خارج بشود جواب داده بدون اجازه وزارت خارجه نمی‌توانم به‌دیگری واگذار نمایم. افواها می‌گویند محمدباقرخان امیراکرم نایب‌الحکومه است. تاچه اقتضا کند.

درباب سرقت

چندی قبل تراکمه داز و ایلغی متفرقه بیست و چهار رأس مال و گاو از دهات

ملك سه فرسخی مشرقی [را] به سرقت بردند. ساعدلشکر به قونسول عارض شده، ده نفر چکت بایک نفر غلام مأمور شده چهارنفر از سران طایفه داز با پنج نفر سارق [را] دستگیر کرده چهارم ماه مذکور به شهر آورده حبس نمودند. سه شب در حبس نگاه داشته بعد کارگراری آورده قرار دادند شانزده رأس مال و گاو را بدهند و سارقین را هم در بازار چوبزده مرخص نمایند.

درباب شاهکوه و ساور برای مالیات

چندی قبل حسن خان هژبر ۲۸۷ سلطان از طرف ایالت مأمور گرفتن مالیات رادکان و ساور گردیده. بعد از سه روز او را بیرون نمودند. مجدداً به کلانتری شاهکوه می رود. صدوده تومان مالیات جمع نموده، رعایا از دحام کرده تمام وجه را از مشارالیه پس گرفته مراجعت به شهر نمود. دهم جولای رفت.

نمره ۱۲۵

۲۱ ماه جولای رفت

درباب نزاع ملك

ملا عبدالله گماشته کموسر مباشرت در قریه سنگ دوین دارد. گماشته شیخ محمد باقر برای سامان قریه شیرنگ و سنگ دوین با ملا عبدالله نزاع می نمایند. یازدهم ماه جولای کموسر به اتفاق محمود آقا سرهنگ قزاق به قونسولخانه آمده به توسط قونسول برای سامان سنگ دوین با شیخ محمد باقر اصلاح نموده خاک کتول را بالمناصفه تقسیم کردند.

درباب کتول

ایضاً ملا عبدالله مذکور به سبب يك قریه سنگ دوین تمام قراء کتول را تصرف مالکانه می نماید. آقاخان امیر امجد پسر علی محمدخان کتول از ترس قونسول و شیخ محمد باقر املاک خود را به ملا عبدالله سپرده رسیدگی نماید. به همین نحو بعضی را به خریداری و بعضی را به قوه جبریّه نابود خواهند کرد. تا چه اقتضا کند.

درباب قتل عسکر خان عظام الملك

اسمعیل خان امیر مؤید رئیس قشون بعد از رفتن سالارالدوله به مازندران آمده مشغول انتظام امورات آنجا گردیده به سبب متابعت عظام الملك رئیس سوار عبدالملکی با سالارالدوله و طرف بودن قاسم هژبر ۲۸۸ خاقان پسر عموی مشارالیه، دوفتر سوار از طرف

اسمعیل خان بهزاغ مرز رفته عظام‌الملک را احضار به ساری می‌نمایند. مشارالیه سوارها را چوب‌زیادی زده اعتنائی نمی‌کند. هژبر ۲۸۹ خاقان بادویست سوار و پیاده مأمور گردیده بهزاغ مرز رفتند. شلیک تفنگ نمودند. عظام‌الملک از منزل بیرون نمی‌آید. فوراً قاسم خان امر کرده خانه او را آتش زدند. مشارالیه ناچاراً بیرون آمده دو ساعت با سوارها نزاع کرده، او را با سه چهار نفر نوکر شخصی تفنگ زده کشتند. بعد از قتل عظام‌الملک اسمعیل خان امیر مؤید امر نمود حبیب‌الله خان اشجع‌الملک را هم دستگیر نمایند. معزی‌الیه در بیلاقات چهار دانگه رفته صد نفر رعایای سورتیچی محافظت او را می‌نمایند. تاچه شود.

درباب خرید چوب

قراء شیرنگ و نیرکان که از مستغلات ۲۹۰ شیخ محمدباقر وقونسول روس می‌باشد، ده فرسخ عرض و طول جنگل است، تماماً چوب‌مازو، درختان کهنسال و بلند دارد. یک‌عده تجار روس چند روز است مذاکره برای فروش درختان مازو و جنگل دارند. شیخ محمدباقر صد هزار منات قیمت کرده، روسها خیال دارند بیست هزار منات خریداری نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب حکومت

آجرهای کاشی که اطراف عمارت آقامحمدخانی نصب بوده عکسهای مختلف سلاطین صفویه و عکس شیخ صنعان و شاگردانش داشت، امیرتوپخانه امر کرد آجرها را برداشتنند، بعضی را به روسها فروخته و اکثر از آن آجرها را جزو صندوقخانه قرارداد حمل به طهران نمایند. مسیو شوستر خزانه‌دار کل به رئیس گمرکخانه بندر جز نوشته عمارت دیوانی را بازدید نمایند و اطلاع بدهند که باید تعمیر بشود. واضح است از کثرت عایدات دولتی سالی دو مرتبه عمارات تعمیر می‌شود، بلافاصله قشون روس از قرا سورا جمع کرده خراب می‌نمایند.

نمر ۱۸۵

سلخ ماه جولای ۱۹۱۳

درباب عظام‌الملک

به عرض رفته بود بعد از قتل عسکرخان عظام‌الملک قونسول روس به سفارت طهران خبر داده دستور العمل رسید که بهمازندران برود. فوراً با دونفر غلام و ده نفر سوار چکت

۲۸۹- اصل: هشبر.

۲۹۰- اصل: مستغلات.

سوار شده بندر جز می رود. يك عده قشون برای گرفتن هزار ۲۹۱ خاقان و اسمعیل خان امیر مؤید قاتلین عظام الملك از دریا فرستاده و خود از گلوگاه رفتند. میرزا مهدی خان تلگرافچی اشرف مخبر شده تلگرافاً مقصرین را خبر داده ایشان با اجزاء خود به سمت سوادکوه رفتند. رسیدن قشون روس در ساری کسی را ندیده، قونسول وارد شد. به قرب صد و پنجاه نفر سالداد به ساری و اطراف گذارده، به عنوان اینکه در امنیت دولت روس است مراجعت به زاغ مرز يك شب توقف کرده به استرآباد آمدند. سه نفر طفل صغیر و کبیر ۲۹۲ از مقتول مزبور بدون باعث باقی مانده است.

درباب حکومت

يك نفر از مهترهای امیرتوپخانه دوماه مواجب می خواست، چندین مرتبه مطالبه حقوق نمود، اعتنائی نمی کردند. شب بیست و پنجم ماه جولای يك رأس اسب ایالت را گرفته فرار می کند. تقی جلودار را حکم نمودند تعاقب کرده اسب را بگیرد. مشارالیه در قزلق پنج فرسخی مشرقی مهتر را دستگیر نموده مراجعت به شهر مهتر مذکور فرار می کند. تقی جلودار او را تفنگ زده فوت شد و اسب را گرفته تسلیم ایالت نمودند.

درباب کمیسیون

محمود آقا سرهنگ که در گنبد قابوس با پاتزده نفر قزاق مأمور است از پارسال تا کنون سی هزار تومان از طایفه یموت و اهالی رامیان، فندرسک مداخل نموده کلیه مقصود پیشرفت کارهای کموسر است. شب و روز باهم محشورند. حرکت به استرآباد اتصالاً به اتفاق کموسر آمده مراجعت می نمایند. آنی از خدمات روسها غفلت نمی شود. از قرار مذکور حرکات مشارالیه را کارگرار استرآباد به وزارت خارجه راپرت داده است. افواها شهرت دارد برای رسیدگی کارهای محمود آقا سرهنگ مفتش از طهران می آید. تا چه اقتضا کند.

درباب باران

الیوم که سلخ ماه جولای می باشد سه روز است اتصالاً باران شدیدی در استرآباد باریده، پنبه بسیار خوب عمل آمده است. از سی سال قبل تا کنون کسی ندیده است جو، گندم و زراعت پنبه به این خوبی شده باشد. از کثرت غلات مردم نمی توانند زراعت را جمع آوری نمایند. گندم را چهل و پنج من تبریز سه تومان می فروشند، جورا پاتزده هزار. خداوند نعمت را زیاد کند.

۲۹۱- اصل: هشیر.

۲۹۲- اصل: صغیره و کبیره.

نمره ۱۹۵

۱۳ ماه اگست ۱۳۳۱ ۲۹۲

درباب روسها

دویم ماه اگست خبر رسید دو یست نفر اتباع روس برای کشت و زرع به گنبد قابوس وارد شده، کموسر آنها را به دشت حلقه فرستاده که بین نوده میرزا اسمعیل خان و گوکلان واقع است، به تصدیق محمود آقاسرهنک تصرف نموده است.

درباب امیر اعظم

نواب والا در شاهرود، بسطام علاقه خوبی به هم بسته. املاک مردم را بعضی به زبان چاپلوسی و برخی را به قوه قهریه خریداری نموده مشغول تعمیرات آن نواحی افتاده. اهالی آنجا را اذیت فوق العاده [می کند]. هر یک از تجار یا متمولین شاهرود و اطراف که پول می خواهد از ترس می دهند. به قرب صد هزار تومان املاک خریداری نموده است.

درباب کموسر

پنجم ماه مذکور مشارالیه به اتفاق محمود آقاسرهنک به شهر آمده، سشب در باغ گلبن میهمان قونسول بوده بعد به روسیه رفتند. از قرار مذکور محمود آقاسرهنک معزول شده منتظر ورود مأمور جدید می باشد. تاجه اقتضا کند.

درباب کردمحل

سال قبل دهم اپریل ۱۹۱۲ به عرض رفته بود پسر آقاسید هاشم کردمحل [ای] را اربابان ملک محرک شده به قتل رسانیده بودند، چون دودانگ [و] نیم کردمحل خالصه دیوان و متعلق به سپهدار است، سهدانگ [و] نیم دیگر... ۲۹۲

درباب سرقت

ایضاً یک نفر محمدنام بسطامی به قرب صد و پنجاه تومان اجناس از دکان حاجی حسن ساکن قریه چهارده، چهار فرسخی مغربی به سرقت برده به دهات سدن رستاق مشغول به کسب بود، گماشتگان داروغه بازار سارق را دستگیر نموده اجناس را از او گرفته به صاحبش مسترد نمایند.

درباب نزاع ملک

بین حاجی محمد تقی تاجر استرابادی بادوسه نفر اربابان قریه شمس آباد که باهم

۲۹۴ - درین مورد سال قمری را به کار برده است.

۲۹۳ - بقیه جمله را ننوشته است.

شرکت دارند برای خریدن نیم دانگ ملک قریه مزبور پنج ماه است به مجادله کشیده. هزار و سیصد تومان وجه در منزل شیخ حسن جزی به رسم امانت می باشد و آقا علی اکبر پسر عموی حاجی محمد تقی به قریه ترنگ تپه سه فرسخی مشرقی رفته در شمس آباد خرمن گندم بود، می گویند که برای کربلائی غلامحسین ارباب شمس آباد ببرند. گماشته آقا علی اکبر رفته بارهای گندم را ببرند در ترنگ تپه. کربلائی غلامحسین می رود گندم خود را بگیرد. آقا علی اکبر امر نموده چوب زیادی به او بزنند. بین ازدحام زن و مرد با هفت تیر شلیک کرده تیر به پای کربلائی غلامحسین ارباب شمس آباد خورده فراراً به شهر آمده در منزل شیخ محمد باقر متحصن می شود. اهالی شمس آباد کربلائی مذکور را روی مال انداخته در باغ گلین خدمت قونسول می برند. به ملاحظه حمایت شیخ محمد باقر از آقا علی اکبر، قونسول روس اغماض کرده جواب مساعدی به عارضین نداده. مایوسانه به شهر آمده مشغول معالجه می باشند.

نمره ۲۵۵

۲۵ اگست رفت - ۱۹۱۳

درباب سرقت

شب شانزدهم ماه اگست عیال حاجی محمد رضا تاجر فوت شده بود، يك نفر دزد فرصت را غنیمت شمرده از سقف دکان حاج مذکور داخل شده پنج نوپ فاستونی اعلی و سه طاقه شال امیری به سرقت می برد.

درباب قتل

ایضاً خبر رسید محرر حاجی محمد حسین کرد محله صبح زود سرچرخ پنبه می رود، پسر عمویش او را تفنگ زده فوت شد.

درباب کرد محله

جمعی از [کسان] مقتولین کاغذی به میرزا علی اکبر خان گماشته سپهدار نوشتند، در صورتیکه دو قتل واقع شده است و شما حیدرقلی خان مسعود السلطان را کلاتر نموده اید، مدتی است به آن سرییلاق رفته خبری از کرد محله ندارد. تکلیف رعایای کرد محله را معلوم نمائید. مشارالیه دو نفر چکت بادونفر قزاق روس همراه برداشته به کرد محله رفتند. بعد از تحقیقات لازمه قاتل معلوم شد از طایفه مرده شورها می باشد. نوزدهم ماه مذکور يك نفر را دستگیر کردند. به توسط سوارچکت به شهر فرستاده حبس کردند.

درباب زوار استرآبادی

امسال اهالی استرآباد برای زیارت کربلای معلی و خراسان جمع کثیری رفتند.

یازده نفر از قریه علوی کلاته يك فرسخی مشرقی بادونفر زن به مشهد می رفتند. در عباس آباد سوارترکمان آنها را دستگیر کرده به قرب هزاروپانصد تومان هستی آنها بود از کفش و رخوت و پول نقد و مالها گرفته، زوارها لخت و عریان مراجعت به استرآباد نمودند. تاجه اقتضا کند.

درباب قتل

به قرب سی چهل خانوار طالقانی که در نوکنده، باغو و جنگل کرده محله ساکنند اتصالاً مشغول دزدی و راهزنی و خون ناحق می باشند، بیست و یکم ماه اگست رفیع نام طالقانی بادونفر دیگر به جنگل زیارت خاسته و در ۲۹۵ آمده دونفر کرمیها را لخت کرده جعفر نام بستگان و کالت را به قتل رسانیده و سه رأس الاغ سرقت کرده بردند. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

ایضاً روز بیست و سیم ماه مذکور سارقین مزبور دورأس مال از قریه محمدآباد يك فرسخی شمالی چپاول کرده، يك رأس مال از جنگل خیرات دوفرسخی مشرقی گرفته رفتند. تاجه شود.

نمره ۲۱۵

۸ ماه سپتمبر رفت - ۱۹۱۳

درباب عظام الملك و قتل آن

به موجب قرارداد محمدعلی میرزا صد نفر دولت خواه باید در حمایت دولت روس باشند. به این سبب قونسول سخت گیری برای قتل عظام الملك دارد. خوانین مازندران برای قتل مشارالیه که باهم متفق بودند چند نفر را رکن الدوله به استرآباد فرستاده در قونسلخانه محبوسند. انتظار ورود اسمعیل خان امیر مؤید و قاسم خان هژبر ۲۹۶ خاقان برادرزاده عظام الملك را دارند. چند روز قبل لطفعلی خان سالارمکرم کلبادی ورود نموده سیزده هزار تومان جریمه خود را حواله بندر جز نموده به اجازه قونسول مراجعت به مازندران نمودند. تاجه اقتضا کند.

درباب قتل کرده محله

میرزا علی اکبر خان گماشته سپهدار يك نفر قاتل را دستگیر نموده بادونفر چکت به شهر فرستاده حبس نمودند و دوهزار تومان از بابت مالیات کرده محله حواله می نماید.

۲۹۵ - همان خاصه رود است. درین مورد به مانند بعضی از مراجع دیگر خاسته رود نوشته شده.

۲۹۶ - اصل: هشیر.

رعایا خیال شورش داشتند. آقا سیدجمال مجتهد صلاح ندانسته مردم را نصیحت نمود ساکت شدند و مالیات هم به میل می‌دهند.

درباب حکومت

مدتی است امیرتوپخانه دست از حکومت برداشته در کلاه‌فرنگی منزوی می‌باشد. میرزا علی‌اکبرخان گماشته سپهدار چون دخالت در امورات همه خلق می‌کند به حمایت روسها میل دارد عموم صاحب‌منصبان و اهالی استرآباد به فرمان او باشند. خودسرانه احتشام دیوان نایب‌الحکومه سابق را از طرف قونسول اجازه داده مشغول به کارهای ولایتی باشد. آنچه دخل پیدا شد بالمناصفه باهم تقسیم نمایند. از طهران تاکنون سؤال نمی‌کنند استرآباد حکومت دارد یا خیر؟ هر کس خود را به روسها چسبانید هر کاری که می‌خواهد خودسرانه می‌کند. تاجه اقتضا کند.

درباب خوانین مازندران

بعد از مراجعت محمدعلی میرزا به فرنگ بین اشجع‌الملک و صارم‌الممالک تراضی اتفاق افتاد. دونفر هم از رعایای دودانگه مقتول شد [ند]. بعد علمایان ساری بین ایشان را اصلاح نموده طرفین نوشته صلح گرفتند، حبیب‌الله‌خان اشجع‌الملک دولتخواه است. عریضه به قونسول روس نوشته مطالبه خسارات تفنگهائی که همراهان محمدعلی میرزا از اردوی سوادکوه برگشتند، رعایای دودانگه به تحریک صارم‌الممالک چاپیده بودند مطالبه می‌کنند. قونسول امر نمود رکن‌الدوله و اسمعیل‌خان صارم‌الممالک را بادونفر قزاق روس از راه دریا به قراسو و به قونسلخانه وارد کردند. دوشب در آنجا توقف داشته، آقا شیخ محمدباقر خدمت قونسول ضمانت نمود که صارم‌الممالک از قونسلخانه بیرون آمده توی شهر منزل نماید، تا ورود اشجع‌الملک بین ایشان را استنطاق نمایند. تاجه شود.

درباب میر محله

حاجی امین‌الضرب قریه مزبور را پنج‌ساله به رمضانعلی تاجر استرآبادی اجاره داده، سال قبل مالیات را برداشت نموده چندی قبل رئیس گمرک بندر جز به اداره ثلاث امر نمود قریه میر محله را ضبط نمایند و گماشته رمضانعلی را بیرون نمودند. رمضانعلی به اجازه حاجی امین‌الضرب با ایوانف رئیس تلگراف روس شرکت کرده و هشتم ماه سپتمبر بایست نفر آدم میر محله رفته گماشته رئیس گمرک را بیرون کرده، اشخاصی [را] که ضدیت داشته مجازات و جریمه گرفته مراجعت نمودند.

درباب هرزگی روسها

عیال کربلائی ابراهیم کریم‌آبادی از قریه محمدآباد با پسر خود به سمت خانه می‌رفت. نیم فرسخی شهر بین خیابان سه‌نفر قزاق روس رسیده ضعیفه‌رامی گیرند. برای پسرش تفنگ کشیده فرار می‌کند. اذیت‌زیادی به آن زن بیچاره کرده می‌روند. کربلائی

ابراهیم برای حفظ احترام خود ضعیفه را در شهر آورده طلاق می دهد. اتصالاً قزاقهای روس دست تعدی به زندهای مردم رسانیده ابدأ قونسول ممانعت نمی کند. تاچه شود.

نمره ۲۲

۲۲ سپتمبر رفت ۱۹۱۳

درباب مازندران

به عرض رفته بود به سبب شکایت حبیب الله خان اشجع الملك قونسول امر کرده رکن الدوله حاکم مازندران و اسمعیل خان صارم الممالک را که سر تیپ فوج دودانگه است مغلولاً به استرآباد آورده، استنطاق نمودند. دعاوی اشجع الملك دو هزار تومان می باشد. قونسول امر به اصلاح نموده چون دعاوی مشارالیه از روی غرض بوده منشی قونسول با رئیس تلگرافخانه ایران خواستند پانصد تومان صلح نمایند. صارم الممالک راضی نشده منجر به مرافعه شد. قراردادند طرفین وکیل معین کرده در محضر حاجی سید طاهر مجتهد تراضی نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب ناخوشی

۱۴ ماه سپتمبر خبر رسید مرض محرقه در بالاشاهکوه شیوع دارد. تاکنون صد نفر مردوزن به این مرض فوت شده اند.

درباب روسها

شانزدهم ماه مذکور يك نفر صاحب منصب روس به عنوان سیاحت از دریا بیرون آمده از راه قراسو به استرآباد وارد [شده] يك شب [در] قونسلخانه توقف داشته به سمت گنبد قابوس عزیمت نمودند. بین راه مشغول گرفتن عکس و ملاحظه پست و بلندی زمین بودند.

درباب سرقت

ایضاً امیر امجد که حاکم کتول است از ترس روسها فراری شده و تمام مستغلات ۲۹۷ مشارالیه را گماشته کموسر در کتول ضبط نموده از استرآباد سه چهار بار قند و چای و لوازمات زندگانی میرزا داودخان مسیحی برای امیر امجد روانه داشته، ملک سالار مباشر شیرنگ گماشته آقا شیخ محمد باقر بارها را چپاول می نمایند.

درباب امیر اعظم

به واسطه شرارت اهالی سنگسر و شه میرزاد نسبت به حکومت سمنان و تراعی با امیر

اعظم و قتل چندین نفوس نواب والا سوار و پیاده بادو عراده توپ از شاهرود حرکت داده برای سنگسر می‌رود. نزاعی در آنجا می‌نمایند. از قرار مذکور جمعیت اهالی سنگسر و شهمیرزاد زیاده از عده سوارهای امیر اعظم بوده نواب والا مراجعت دردهات دودانگه قریه پلور را تاخت و تاراج کرده شش نفر مقتول، دو بیست رأس مال و سه چهار هزار گوسفند از رعایای پلور چپاول کرده به سمت شاهرود روانه می‌نماید. جمعی از رعایای مذکور در ساری خدمت نواب رکن الدوله رفته عارض شدند. تلگرافاً به طهران اطلاع دادند.

نمره ۲۳

۱۶ اکتبر - ۱۹۱۳

درباب مازندران

به عرض رفته بود اشجع الملك با صارم الممالك مدعی گردیده قرار به مرافعه گذاردند. مجدداً قونسول امر نموده هفتصد و پنجاه تومان صارم الممالك داده، اشجع الملك پانصد تومان وجه را تقدیم قونسول روس کرده. مراجعت به ساری نمودند.

درباب حکومت استرآباد

بیست و چهارم ماه سپتمبر عباسقلی خان سرتیپ پسر سردار افخم به اتفاق امیر امجدو اکرم الملك وارد شده بیست و هفتم ماه مذکور تهیه استقبال برای ایالت گرفته، خوانین استرآبادی و غیره و کارگذار دوفرسخ مشرقی استقبال رفته، سه ساعت به غروب بین راه درباغ گلبن قونسول روس را ملاقات کرده مقارن غروب با پنجاه نفر قزاق وارد به شهر، در کلاه فرنگی منزل نمودند. بیست و هشتم سپتمبر سه ساعت به غروب قونسول برای بازدید ایالت به شهر آمده، مذاکره کتول و فندرسک به میان آمده به موجب سفارشات وزیر داخله و سایر وزراء از برای آقاخان امیر امجد و علی اکبرخان اکرم الملك، قونسول تعهد کرده همراهی لازمه را بنمایند. موکول است به آمدن کموسر روس که مستغلات خوانین مذکور را مسترد بدارند. تاچه اقتضا کند.

درباب تعمیر تلگرافخانه

قونسول امر نموده تلگرافخانه را تخلیه نمایند برای مراجعت قشون روس. صاحب منصبان نظامی برای منزل آسوده باشند. نوید الممالك رئیس تلگراف دستگاه تلگرافخانه را درباغ سلیمانخانی که واقع است در جنوبی عمارات دیوانی نصب کرده، کلاه فرنگی در تصرف ایالت باشد. چهار دست عمارات بزرگ دیوانی متعلق است به روسها.

درباب امیر توپخانه

قبل از ورود سردار افخم امیر توپخانه توی شهر خانه سالار اشرف منزل نموده چند نفر اجزاء و فراشان خدمت ایالت جدید عارض گردیده، هر يك مطالبه هشت ماه حقوق نمودند. سردار افخم جواب داده من مأموریت برای قروض امیر توپخانه ندارم. عارضین متفرق شدند.

درباب مقتولین کرد محله

در صورتی که يك نفر قاتل در حبس است، دویم ماه اکتبر صاحبان دو نفر مقتول خدمت ایالت عارض شده، چند نفر از سادات عقیلی که متهم به قتل شده اند در منزل سید جمال الدین مجتهد متحصن گریده مشغول اصلاح امور کرد محله می باشند. تا چه شود.

درباب سوار جدید

چهارم ماه مذکور سردار افخم به موجب دستور العمل پنجاه نفر سوار از تمام خوانین استرآباد خواسته، هر يك به اندازه خود چند سواری بدهند. ماهی ده تومان حقوق به سوارها داده خواهد شد.

نمره ۲۴۵

۱۶ ماه اکتبر

درباب حکومت انزان

به عرض رفته بود قبل از ورود سردار افخم، قهارخان سالار اشجع به امر قونسول روس به شهر آمده برای رسیدگی محاسبات میرزا علی اکبرخان گماشته سپهدار. بعد از ورود ایالت به توسط قونسول معرفی گردیده، حکومت انزان توابع را به مشارالیه واگذار نمودند. هفت هزار تومان دعاوی میرزا علی اکبرخان را از بابت مالیات لیوان هشتیکه در باغ گلبن به توسط میرزا جعفرخان منشی رسیدگی شد. به امضای قونسول چهار هزار تومان مالیات آنجا را به سالارالدوله تسلیم کرده قبض رسید [دریافت] داشتند. بنیه را هم يك ماهه به عهده گرفته پردازد. هشتم ماه اکتبر به اجازه حکومت حرکت کرده به مقر حکومت رفتند.

درباب تنظیفات

نهم ماه مذکور حسب الامر ایالت در بازار جار کشیدند اهالی بلد کوچه و محلات راجاروب نمایند و مالیات قصابخانه که مرحوم مظفرالدین شاه معاف نموده بود، امر شد قصابها هر گوسفند يك قران به اداره مالیه بدهند.

درباب روسها

چندسال است حاج محمودآقای قاجار به واسطه انتقال دودانگ قریه ولیک آباد يك فرسخی مشرقی که ساختگی کرده است در خارج صاحب ملك موروثی به چند نفر تجار فروخته، مجادله و نزاع است. لکن به سبب حمایت چند نفر علمایان ورشوه گرفتن محرر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی که در نجف اشرف به امضای آخوند رسانیده است باعث گرفتاری فوق العاده برای عموم استرآباد و حکام است. سال قبل هزار تومان به امیر توپخانه داده، دودانگ ملك مزبور را در تصرف حاج محمودآقا دادند. هرود سردار افخم دوسه مجلس علمایان انجمن کرده مکشوف شد نوشته حاج محمودآقا جعلی می باشد. کربلائی عباس و دونفر دیگر که صاحب ملك بوده به اجازه رئیس قشون روس به صاحب منصب سوارهای چکت اجازه می دهند و مباشر حاج محمودآقا را از قریه ولیک آباد بیرون می نمایند. مشارالیه خدمت فوسول رفته عارض می شود. احکامات امیر توپخانه را ارائه داده فوراً يك نفر قزاق فرستاده، رئیس سوارهای چکت را در باغ گلبن برده حبس می نماید. قونسول به شهر آمده بارئیس قشون تغییر کرده، ایشان هم با کمال سختی به قونسول جواب می دهد. از قرار مذکور قونسول از رئیس قشون شاکی شده باشد. بعد خانم قونسول فی مابین اصلاح نمودند. در هر صورت به سبب تعارف حاج محمودآقا ملك را مجدد به قونسول... ۲۹۸ دادند.

درباب کمیسر

دوازدهم ماه اکتبر محمودآقا برای استقبال کمیسر به قرا سورفته مراجعت به شهر نمودند. يك شب در قونسلخانه توقف کرده، بعد از ملاقات سردار افخم از راه کتول و سنگ دوین گنبد قابوس رفتند.

درباب سرقت

شب ۱۶ ماه مذکور دزدطایفه ایلیغی دوراس گاو از قریه زنگی محله نیم فرسخی مغربی به سرقت بردند.

درباب امیر توپخانه

مشارالیه چندی قبل خیال به طهران داشتند، چند نفر از تجار جلوگیری نموده برای تعدی به ملك رستم کلاته که دودانگ آن متعلق به کسان امیر توپخانه می باشد، به همراهی قونسول تجار اغماض کرده صبح شانزدهم ماه اکتبر حرکت نموده قونسول به امر سردار افخم مشایعت کرده از راه مازندران عزیمت به طهران نمودند و علاقجات خود را واگذار به سالار اشرف نموده هفتصد تومان وجه برای مخارج راه گرفتند.

نمره ۲۵۵

سیام ماه اکتبر - ۱۹۱۳

درباب بندر جز

سیدمحمدخان سرحددار سابق بندر جز که از دست مجاهدین قفقاز فراراً به طهران رفته بود مجدداً به مأموریت بندر جز به سمت کارگزاری وارد گردیده، هیجدهم ماه اکتبر به محل مقصود رفتند.

درباب روسها

بیستم ماه مذکور قونسول دفتر دولتی را باعلاقهجات از باغ گلبن عودت به شهر داده، دو ساعت به غروب سردار افخم را ملاقات می نماید. اظهار داشت تعمیر منازل عمارات در حکومت امیرتوپخانه به اتمام نرسیده، مجدداً تعمیرات لازم است. برای ورود قشون اکثر از طرف ایالت امر می شود به زودی عمارت را تعمیر نمایند قبها و الا از طرف من چند نفر بنا گذارده خواهد شد. ایالت به عهده گرفته به توسط اداره مالیه چند نفر بنا و عمله خبر نموده مشغول تعمیرات دیوانخانه می باشند. لکن سالی یک مرتبه دولت ایران مجبور است به توسط حکام پول گزافی بدهند برای تعمیرات. نصف را حکومت وقت بخورد و نصف را مصارف نمایند. آنوقت قشون روس آمده در مدت سه چهار ماه خراب [کنند] و به قراسو بروند.

درباب راه شوسه

چندی است قونسول انتظار ورود لیانازوف را دارد. خط راه قراسو که از شمال شهر دروازه آق قلعه می رود شش فرسخ مسافت دارد از آنجا تا بندر جز دو فرسخ است که جمعاً هشت فرسخ است شوسه نمایند. ایاب و ذهاب پست بندر را از راه قراسو قرار دهند و این مخارج را به عهده لیانازوف گذارده. هر آینه لیانازوف تعهد نکردند، حمل و نقل عرابه و ایاب و ذهاب قشون روس بوده باشد.

درباب ورود سرباز

سردار افخم بر حسب دستورالعمل اولیای دولت کاغذی به امیراکرم هزارجریبی و مسعودالملک نوشته دو بیست نفر سرباز برای پاسبانی و قراولی دیوانخانه لازم است. از طرف امیراکرم به قرب سی نفر فرستاده شد. تماماً با چوب دستی، تمنگ ندارند و بقیه سربازهم به اطمینان معزی الیه خواهند آمد. تاجه اقتضا کند.

درباب تراکمه

بیست و هفتم ماه اکتبر ملاخان اگنط قونسول روس ساکن خوجه نفس به قرب صد

نفر از خوبان تراکمه گموش تپه و خوجه نفس که طایفه نورعلی می باشد خدمت ایالت آورده، اظهار خدمتگزاری نمودند. ایالت مهربانی به آنها نموده روز دیگر عموماً را دعوت ناهار نموده مرخص نمودند.

نمره ۲۶

۷ ماه نوامبر ۱۹۱۳

درباب سالار اشجع

غره ماه نوامبر میرزا سید محمدخان کارگذار بندر جز تلگرافاً خبر داده در منزل سهراب خان پسر حاجی رستم یوزباشی، قهارخان سالار اشجع دعوت داشته، به او سم می خوراندند. فوراً مشخص گردیده می گوید به ملازمان شیر گاو بیاورید. شیرزیادی حاضر کرده بعد از خوردن شیر هشت ساعت مدهوش بوده. سم چندان تأثیری نکرده، بهبودی حاصل شد. شرح حالات را سردار افخم تلگراف کرده. حسب الامر دو نفر قزاق بندر جز رفته حاجی رستم یوزباشی را مغلولاً به شهر آورده استنطاق نمایند.

درباب کابینه

بیان السلطان به ریاست کابینه استرآباد به اتفاق تشکیل کابینه را در کلاه فرنگی داده چهار نفر منشی جزو ماهی ده تومان الی بیست و پنج تومان قرارداد مشغول خدمت می باشند. علی العجاله ۲/۲۹۷ به تصویب ایالت اداره منظم است. شصت عدد چراغ شیشه دار امر نموده درست نمایند که در کوچه ها نصب شود. مخارج و حقوق برای گذاردن چراغ به عهده اهالی استرآباد خواهد بود.

درباب قتل کلیمی

چندی قبل چند نفر کلیمی وارد استرآباد شده انتیقه می خریدند. يك نفر از آنها به اتفاق يك نفر زیارتی مال کرایه کرده از راه زیارت به سمت شاهرود می رود. بین شاهکوه و چهارباغ کلیمی مفقود شده است. پدرش در استرآباد بوده. از شاهرود تحقیق کرده جواب دادند تا کنون نیامده است. بین راه شاهکوه و چهارباغ تفحص شده اثری نیافتند. قونسول آن شخص را که زیارتی باشد از میرزا داودخان مباشر آنجا خواستد است که تحقیقات نمایند.

درباب ایالت

عباسقلی خان سرتیپ قزاق پسر سردار افخم برای ورود اهل [و] عیال خود به مازندران رفتند. سه درب منزل جنب دیوانخانه بود از صاحبانش به عنوان اجاره گرفته

مشغول تعمیرات آنجا می‌باشند.

نمره ۲۷۵

۱۷ نوامبر رفت - ۱۹۱۳

درباب تراکمه

سابقاً به عرض رسانیده میرزاعلی اکبرخان گماشته سپهدار اراضی زیر جنگل کردمحل را چهارهزار منات به روسها که ساکن قراسو می‌باشند اجاره داده است. روسها دوفرسخ و نیم اراضی آنجا را تصرف نموده که سابقاً در تصرف ترکمانها بوده، روسها نمی‌گذارند گامیهای تراکمه به سمت جنگل عبور کنند. سی نفر از تراکمه بشی اوسقه و غیره به شهر آمده عارضند. کسی اعتنائی به عرض تراکمه ندارد. تاچه اقتضا کند.

درباب نزاع ملك

شرحی در نمره ۲۳ به عرض رسانیده بود. بعد از تحقیقات لازمه از طرف سردار افخم برای ولیک آباد مکتوب شد. چند نفر در استرآباد نوشتجات ساختگی داشتند. يك نفر نویسنده اسناد شاهزاده نامی بود که سردار افخم او را می‌شناخت. دو نفر از قاجاریه: علی جان آقا و خسروخان ساکن قریه بالا جاده را مغلولا به شهر آورده، اقرار به ساختگی اسناد مردم نموده چوب زیادی به آنها زده محبوسند.

درباب سوارها

به عرض رفته بود حسب الامر سرار افخم پنجاه نفر سوار زبده هر يك از سر کرده‌ها به شهر بفرستند. سوار مزبور را به ریاست سید حسین خان پسر مهدی شاه امیر پنجه برادر ایلخانی حاضر کرده، ماهی ده تومان حقوق به سوار داده می‌شود. از ورود سردار افخم تاکنون شهر امنیت کامل دارد و قانوناً رسیدگی به امورات رعیتی می‌نمایند. قرار مذکور مهدی شاه به اتفاق سالارالدوله به روسیه رفته‌اند.

درباب امیر اعظم

از قرار مذکور نواب والا حکومت خراسان را خواستار شده بود. اولیای دولت مجرا نکردند. مقصود خو را در باطن باروسها قراردادی نموده که تحریک نمایند سوار گوکلان با اکراد خطه خراسان را آشوب و انقلاب نمایند. چندی قبل پولی از بانک حمل به خراسان می‌شد، سوار گوکلان برای پول بانک آمده بودند رده شده بودند زوارهای عراقی دچار تراکمه شده سی و سه نفر مقتول، باقی را لخت و عریان کرده، تمام اموال زوارها را به غارت بردند. نواب والا وصلت با سردار بجنوردی کرده دختری بدهد و دختری

برای پسر خود بیاورد. به واسطه این اغتشاش دولت مجبور بشود امنیت خطه خراسان را به روسها واگذار کند. امیر اعظم هم از طرف دولت به حمایت روسها حاکم خراسان بشود. تا چه شود.

درباب بندر جز

میرزا سید محمدخان سردار سابق به عنوان کارگذاری وارد بندر گردید. آقا بزرگ خان پسر محمدعلی خان سرهنگ اتزانی از طرف ایالت به سرحداری بندر جز مأمور شده، هر یک به وظیفه مأموریت خود رفتار نمایند.

نمره ۲۸۵

دویم دسمبر رفت - ۱۹۱۳

درباب قتل کردمحل

به عرض رسانیده بود برای قتل پسر محمدجان ارباب مطالبه خونی از حاجی سیدهاشم کردمحل [ای] داشتند. سه نفر از کسان حاجی سیدهاشم چندی در حبس حکومت بوده، آخر الامر به توسط آقا سید جمال الدین مجتهد مبلغ هفتصد تومان از حاجی سید هاشم گرفته اصلاح نمودند.

درباب روسها

بیست و دویم نوامبر توپچیهای روسی با چهار عراده توپ و صد نفر سالداد از قراسو وارد به شهر گردیده [در] دیوانخانه منزل نمودند. لکن چون قانون نظامی از قشون روس دیده نمی شود به عرض می رساند دو ساعت از شب رفته آیا سالداد اجازه دارد بیرون شهر برای شکار خوک برود. در صورتیکه اعلان نکرده و اهالی مخبر نمی باشند. شاید از طرف سالداد یک نفر رعیت را زخمی وارد نمایند، یا اینکه استرآباد یک نفر از سالداد را هدف گلوله بسازند. تمام این حرکات غیر قانونی است. مقصود روسها کلیه بهانه جوئی می باشد که مستمسک نموده آنچه را که میل دارند تصرف نمایند. تا چه اقتضا کند.

درباب نخیره استرآباد

نخیره از قبیل تفنگ و فشنگ آنچه به دستیاری مشروطه ها تفریط گردیده بود، مابقی را محمدعلی میرزا تصرف کرده، بعد از مراجعت نواب معظم به روسیه تمام اسلحه را قونسول توقیف کرده اثری از لوازمات نخیره نمانده حتی لوله های تفنگ دهن پر که از قدیم در نخیره استرآباد بوده همه را سالداد روس و سوار چکت در بازار به قیمت

نازل دوقران الی چهارقران فروخته اضافه جعبه‌های فشنگ که خالی بوده در سال قبل عوض این هم قشون روس سوزانیده بودند. حالیه دونفر در استرآباد مطالبه حقوق فخریه دارند. از طهران هم شخص امان‌الله‌خان به ریاست فخریه استرآباد مأمور است. به ملاحظه پنجاه تومان، پانصدتومان رشوه به اولیای دولت داده که تلگرافاً به حکومت استرآباد مأموریت مشارالیه را اطلاع داده مطالبه حقوق نماید. در صورتی که اسم و رسمی از فخریه و مکان (؟) و غیره نمی‌باشد. ایالت استرآباد لابد است با این ترتیب یا استعفاء از حکومت بدهد یا اینکه مانند امیر توپخانه جواب به کسی ندهد و قونسول روس را برای خود کمک بگیرد. تاجه شود.

درباب روسها

به عرض رفته بود کهنه قباله‌ای از صدسال قبل سادات بنی کریمی به دست آورده اراضی جنب سیاه‌آب که شمالی استرآباد است، دو فرسخ عرض، یک فرسخ طول [به] رئیس تلگرافخانه روس ایوانف داده‌اند. مشارالیه بیست و ششم ماه مذکور بیست عدد بیرق علامت همراه برداشته در کنار سیاه‌آب که مغربی استرآباد است نصب کرده مراجعت نمود.

درباب سرقت

شب بیست و هفتم ماه نوامبر دو درب دکان بازارچه نعلبندان شکافته به قرب بیست و پنج تومان قند و تریاک به سرقت می‌برند. ایضاً شب بیست و نهم ماه مذکور دو درب دکان یکی متعلق به محمدعلی سلمانی از طایفه گرمی بوده بیست تومان خورده اسباب سرقت می‌شود، و یک درب دکان بزازی دو توپ اجناس سرقت کرده می‌برند. به سبب اطلاع و کالت حسب الامر ایالت حکم به داروغه بازار کردند، خسارت دکان محمدعلی گرمی را مسترد نمودند.

درباب چپاول

ساخ نوامبر تلگرافاً به سالار اشرف نایب‌الحکومه خبر رسید سوار گوکلان و دو بیچی بیست هزار رأس گوسفند از دشت سملقان چپاول کرده بردند. چهار هزار از آن گوسفندها متعلق به مشارالیه می‌باشد. به توسط سردار افخم از قونسول روس خواهش می‌نماید همراهی در استرداد گوسفند مزبور نمایند. یک نفر غلام باده نفر سوار چکت مأمور گردیده به گنبد قابوس بروند. به توسط کموسر روس گوسفندهای مشارالیه از تراکمه‌یانی مطالبه شود. تاجه اقتضا کند.

نمره ۴۹۵

۱۶ ماه دسمبر رفت - ۱۹۱۳

سالار اشجع

دونفر اهل طالقان از جانب آقا رمضانعلی و کیلالتجار در محال انزان توابع چند سال مشغول تجارت و دست فروشی بودند، دوسال قبل بهسبب اغتشاش انزان و آمدن سالارالدوله بهقرب دوهزار تومان طلب آنها در محل سوخت نموده مردم ندادند. بهتوسط آقا رمضانعلی خدمت سردار افخم از دست سالار اشجع شکایت نموده حسب الامر ایالت معزی الیه بهشهر آمده استنطاق نمودند. سالار اشجع جواب دانه دونفر دستفروش طلب خود را وصول کرده در انزان بهمصارف دخترهای مردم نموده اند. باهرکسی ادعائی داشته باشند در جز حاضر شده بهحکم شرع ثابت نموه طلب خود را از مردم بگیرند.

فوت رئیس پست بندر جزر

میرزا حسین خان پسر خاله میرزا علی اکبر خان گماشته سپهدار ریاست پست بندر جزرا داشتند، یک ماه قبل مریض گردیده او را بهعشوراده می برند. حکیم روس از معالجه بازمانده هفتم ماه دسمبر ملازم میرزا علی اکبر خان مشارالیه را بهشهر آورده بهفاصله دوازده ساعت فوت شد.

سرقت

در این دوسهروزه چهار رأس مال از قریه کریم آباد و کماسی و محمدآباد بعداز ظهر بهسرقت بردند. از قرار معلوم مالهای مسروقه [را] بهقراء شیرنگ که تصرف شیخ محمد باقر است فروخته اند.

چپاول

اظهر من الشمس، ترکمانها بهتحریک کمیسر و محمود آقا سرهنگ بیست هزار گوسفند از سملقان چاپیده، باچند مال و سه نفر زن آورده اند. غلام قونسولگری برای استرداد گوسفندهای سالار اشرف بهگنبد قابوس رفته بود، کمیسر را درسنگر سوادملاقات نموده جواب مساعدی نداده. غلام مزبور برگشت. کراراً عرض نموده است مقصود دروسها تصرفات راه شاهرود و خراسان است [که] دولت ایران واگذار نماید، چنانکه ۲۹۸ چندی قبل همین سوار ترکمان قافله زوارها را برهم زده بود. تاجه شود.

درباب روسها

سردار افخم حکمران استرآباد چندی است وارد شده. در امورات حکومتی کمال مواظبت را درد. طوری که دلخواه روسها می باشد رفتار نمی کند و مانند امیر توپخانه از قونسول روس در کارهای حکومتی مشورت ندارد. به این لحاظ دوسه مرتبه از طرف روسها در کلاه فرنگی نصف شب نارنجک انداخته که دفعه آخری دست و پای دواسب را مجروح می سازد. مقصود قونسول آنست تمام کارهای استرآباد به اطلاع و صوابدید او بگذرد. حکومت استرآباد مجبور است با همین منوال رفتار کند، یا استعفا داده به میل قونسول رکن الدوله را به استرآباد بفرستند. چون اظهار رضایت از نواب معظم دارند.

خالصجات

تابه حال اهالی فنדרسک و رامیان و کهسار به تحریک میرزا هادی خان سرتیپ مالیات قراء خالصه را به گماشته سپهدار نمی دادند. سختی قونسول روس نسبت به خوانین مذکور و ضبط ۲۹۹ قراء کتول و فنדרسک عمده همین مطلب بود. سالار معزز حاکم کتول و میرزا هادی خان و اکرم الملك فنדרسکی مجبور در اجاره کردن املاک خالصه بشوند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۳۰۰

۲۶ ماه دسمبر رفت - ۱۹۱۳

جشن روسها

شب هیجدهم دسمبر قونسول برای حکومت و کارگذاری اطلاع داده فردا دو ساعت به ظهر بالباس رسمی به قونسولگری بیائید. جمعی از خوانین به اتفاق ایالت و کارگذار بادوسه نفر از علمایان برای تهنیت رفته صرف چای و قهوه نموده چون قونسول یک جفت بچه پلنگ را توجه نموده در باغ قونسولگری گردش می نمایند - در صورتی ۳۰۰ که سباع را زنجیر لازم است - یکی را برای پذیرائی ایالت و علمایان داخل اطاق کرده، اسباب وحشت تمام آنها شده. اکثر از رفتن خود پشیمان گردیده بودند. شب نوزدهم تمام صاحب منصبان و سرکرده ها دعوت داشتند. نصف شب از ترس مراجعت به منزل نمودند.

درباب روسها

ایضاً خبر رسید پانصد نفر متجاوز اتباع دولت روس وارد به گنبد قابوس گردیده اطراف بازار و گنبد را به تصرف مالکانه در آورده مشغول زراعت کاری می باشند. تا

چه اقتضا کند.

درباب اجاره خالصهجات

میرزا علی اکبر خان گماشته سپهدار اراضی فوجرد را با اراضی مامائی (?) دوفرسخی شمالی را سی ساله به روسها اجاره داده است. قراء اتران توابع را که لیوان و هشتیکه و نوکنده و فرنگ و سرمحله و دشتی کلاه باشد ده ساله مقدار صد و بیست هزار تومان به قهارخان سالار اشجع اجاره داده است.

درباب اخذ وجه از تراکمه

یکی از بستگان و کالت چندی به گنبد قابوس رفته بود مراجعت کرده اظهار داشت که سه ماه قبل تا به حال محمود آقا سرهنگ قزاق به همراهی کمیسر دخل تازه برای خودشان متصور نموده اند. از بیست و پنج سال قبل آنچه اسیری که وارد خاک یموت و گوکلان شده است از تراکمه که صاحبان اسیر می باشند به قدر قوه هر یک از چهار صد تومان الی سیصد تومان، بعضی که پریشان هستند هفتاد تومان از آن ترکمان می گیرند. وجوهات مزبوره بالمناصفه با کمیسر تقسیم می شود. در صورتی که رئیس کمیسیون اعتصام الممالک است دو سال می شود گنبد قابوس نرفته و حالیه هزار تومان مقروض و موجب مشارالیه نرسیده. محمود آقا سرهنگ با سیزده نفر قزاق مستخدم کارهای رئیس کمیسیون را تصرف نموده شب و روز مشغول اخذ وجه می باشند. دو نفر دخترهای روسی برای خدمت محمود آقا از طرف کمیسر معین شده اند. باعث انهدام مملکت و تصرفات روسها همین اشخاص وطن خواه می باشند. تا چه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب بیست و چهارم ماه دسمبر دکان حاجی عیسی پانیانس را به قرب هفتصد تومان وجه نقد به سرقت بردند. ایضاً دکان میرزا اسمعیل خیاط را تخمیناً پنجاه تومان لباس دوخته و غیره برده اند.

درباب حریق

شب بیست و هفتم دسمبر بازارچه نعلبندان جنب مسجد جامع آتش گرفته به قرب هفتاد و یک درب دکان سوخت. یک باب مسجد هم طرف غربی آتش گرفته تخمیناً پانصد تومان به مسجد ضرر وارد شد. دوازده هزار تومان هم خسارت دکانین و اموال مردم گردید. واللہ اعلم.

مخابرات استرآباد

١٩١٤

٣ صفر ١٣٣٢ - ١٣ صفر ١٣٣٣

نمره ۱۵

۹ ماه جنواری ۱۹۱۴

درباب قتل - ۱۹۱۴

سیم ماه جنواری يك نفر رعایای قریه پیشین کلاه سه فرسخی مغربی نزدیکی بش اوسقه مقتول [شده] حسب الامر ایالت دونفر سوار بایک نفر غلام قونسولگری روس به طایفه جعفر بائی رفته آنچه تحقیق نمود اثری از قاتل به ظهور نرسانید. مراجعت کردند.

درباب نزاع

به تحریک روسها يك نفر ترکمان در جعفر بائی مدعی گردیده صد قسمت زمین مال من است. دو مرتبه مرافعه در محضر قضات جعفر بائی می روند و حکم به حقانیت اتباع ایران داده شده است. لکن قونسول روس به طفره می گذراند. تاجه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب هفتم ماه مذکور منزل اوانس مسیحی را شکافته سه بشکه کشمش، سی بطر عرق و شراب به انضمام پنج تومان وجه به سرقت بردند. حسب الامر ایالت کدخدا و بیگلریگی در تجسس اموال مسروقه می باشند.

درباب شیخ محمد باقر فاضل

امیر امجد حاکم کتول به همراهی سردار افخم املاک موروثی خود را تصرف کرده و املاک خالصه را در تصرف میرزا علی اکبر خان گماشته سپهدار داده است. قونسول در جواب شیخ محمد باقر و آقا شیخ رضا سلطان العلماء اظهار داشته ما ابدأ راضی نمی شویم شماها املاک ورثه علی محمد خان را به جبر و عنف برده باشید. هر کس از بابت املاک کتول ادعائی با امیر امجد داشته باشد برود در محضر آقا سید جمال مجتهد مرافعه نماید. بعد از ثبوت و گرفتن احکام شرعیه ما همراهی می کنیم. قراء شیرنگ را که شیخ محمد باقر با تاجر روسی به شراکت آباد کرده بودند و مبالغی اراضی آنجا را به دفعات فروخته

واجاره داده است روسها علاقه خود را با شیخ محمدباقر تقسیم و مجزا کرده قونسول روس در خارج محرك سادات شیرنگی شده است قرار داده با شیخ محمدباقر را برهم بزینند و سادات مذکور شخصاً با قونسول شراکت نمایند. تاجه شود.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید اهالی رامیان هفتاد شتر از مال تراکمه چاروا را چپاول کرده آوردند. صاحبان شتر به کمیسر روس عارض شده، دونفر سوارچکت بادونفر قزاق ایرانی برای استرداد شترها به رامیان می‌روند. شیخ عبدالحسین رئیس رامیان جواب داده اهالی رامیان شترهای رعیت ایران را چپاول کرده‌اند، رجوعی به کمیسر روس نیست. مأمورین مذکور مراجعت کردند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۵

مخابرات استرآباد

درباب سرقت

شازدهم ماه جنواری اوانس مسیحی به اتفاق دونفر رعیت محمدآبادی هشت رأس گاو از محالات اشرف سرقت کرده وارد نمودند. گاوها را به محمدآباد فرستاده به سمت گنبد قابوس روانه نمایند. صبح هفدهم صاحب گاوها تعاقب کرده در محمدآباد گاوها را می‌برند.

درباب روسها

دائی ارمنی رعیت دولت عثمانی در مشرقی دیوانخانه يك باب خانه ایتیاغ نموده است مشغول به فروختن مشروبات می‌باشد. صاحب منصب سالداد چند مرتبه اظهار نموده خانه خود را اجاره بدهید. مشارالیه جواب داده من خودم لازم دارم نمی‌توانم اجاره بدهم. به همین سبب شب هیجدهم ماه مذکور چند نفر سالداد با صاحب منصب به خانه دائی ریخته فحش و بددهنی کرده بعد او را با چند نفر اهالی شهر گرفته به دیوانخانه بردند. سردار افخم محض اسکات روسها بی سبب دائی و میهمان او را حبس کرده صبح رها نمودند.

درباب روسها

چندی است روسها ساکت هستند و محرمانه کشف شده است قشون روس کلیه باید از استرآباد خارج شوند. مجدداً قونسول برای ایالت پیغام داده چند اطاق که ذخیره سابق بوده بعضی از اسباب ذخیره از قبیل بیل و کلنگ و برنج خالی ۲۰۱ و چرم و جعبه و غیره دارد، آنها را بردارند. چهارصد نفر قشون وارد می‌شوند منزل لازم دارند. سردار افخم امر نموده يك اطاق در باغ سلیمانخانی که حالیه تلگرافخانه دایر است خالی کرده اسبابهای

فخیره را که قابل انتقال بوده در آنجا ریختند و انتظار ورود قشون روس را دارند. تا چه اقتضا کند.

درباب شیخ محمدباقر

به عرض رسانیده شیخ مذکور قراء شیرنگ و نیرکان و ماران کلاه و غیره که با صاحبانش مناصفه قرارداد آباء نماید سه مقابل خاک قراء مذکور را به روسها به عنوان اجاره و فروش داده پول گرافی گرفته، عموم صاحبان املاک بلوک فخر عمادالدین از قرارداد با شیخ محمدباقر فسخ معامله نموده اند. از تعدیات شیخ تماماً برگشته میل دارند با آقاخان امیرامجد شرکت نمایند.

درباب وزیدن باد

شب بیست و چهارم جنواری نیم ساعت از شب گذشته باد شدیدی از مغربی استرآباد به سمت دریا وزیدن گرفته به فاصله یک ساعت شدت نموده به قرب هزار درخت بزرگ و کوچک از چنار و سرو یا درخت متفرقه از میوه جات [را] در باغات و دیوانخانه از ریشه برگردانیده و خرابی زیادی به عمارات مرتفع وارد نموده است.

درباب سرقت

شب بیست و نهم ماه مذکور به تحریک اوانس مسیحی دونفر رعیت محمدآباد سه رأس گاو از قریه مذکور سرقت به صحرای برند. صاحبان گاو تحقیق کرده از سارقین مطالبه گاوها را می نمایند. بین ایشان نزاع شده، صاحب گاو سرش می شکند. خدمت ایالت عارض شده، حسب الامر دونفر سارق را گرفته حبس [کرده] بعد از حبس به مرافعه فرستاده، به حمایت اوانس انکار [کرده] گاوها را ندادند.

درباب کمیسر

ایضاً خبر رسید مشارالیه اراضی شمالی گرگان را تصرف نموده و اتباع روس را آورده مشغول به کشت و زرع می باشند. برای اسکات تراکمه به سرحد ایلغی و داز آمده تمام پیرمردان یموت را احضار نموده نفری دوازده تومان پول به آنها داده نوشته کمیسر را از طایفه ایلغی الی قجق و قان یخمز، تمام ریش سفیدان یموت امضاء نمودند که متعلق به کمیسر روس است. تا چه اقتضا کند.

درباب حبس قونسولخانه

یک نفر مسیحی تبعه روس دو سال است در قونسولخانه محبوس می باشد. قزاق قراول قونسولخانه با مقصر همدست شده تفنگ قراول دیگر را گرفته شب سلخ ماه جنواری فراراً به سمت جنگل بروند. چون نابلد راه بودند نیم فرسخی شهر در جنگل رنگو پناهنده شده صبح زود از اطراف به امر قونسول سالداد قزاق در تفحص افتاده، مقارن

غروب این دونفر مقصر را دستگیر کرده حبس نمودند.

چند نمره قبل را به قونسولخانه رشت فرستاده سواد را مفقود نموده‌اند. چون در این تاریخ مرخصی گرفته مدت چهل یوم از راه بندر جز رشت رفته ده شب توقف از آنجا به طهران، هیجده روز را آقای علی اکبر بیک امیر آخور مهمان بوده مراجعت به استرآباد نمودم.

نمره ۶

۲۶ ماه مرج رفت - ۱۹۱۴

درباب امیر اعظم

چندی شهرت [دارد] گماشتگان حضرت والا از تراکمه گوکلان جلوگیری نموده چند نفر ترکمان مقتول و سر آ [نا] ن را به طهران فرستاده بودند، تحقیقات لازمه در این باب شد دروغ صرف بود. تفصیل آن از این قرار است که عرض می‌شود: یک نفر بجنوردی را عسکرخان گماشته امیر اعظم در الهاک به دست آورده سرش را بریده خدمت امیر اعظم می‌فرستد و یواشکی به طهران روانه می‌نماید. بعد معلوم شد مقتول از رعایای بجنورد بوده شغلی در الهاک داشت اشتباهاً او را به قتل می‌رسانند. مادر پدر مقتول چندی است در تلگرافخانه بجنورد شکایت از تعدیات و بی‌انصافی امیر اعظم به ایالت خراسان می‌نمایند که مطالبه گرفتن خون دارند.

درباب امیر اعظم

نواب والا زمان حکومت رفتن به کرمان یک باب خانه مسکونی ۲۵۲ موروئی خود را فروخته دو قسمت را به قروض خود داده بودند. حالیه در محالات سمنان و دامغان و شاهرود صاحب دو کروور و سالی نود و پنج هزار تومان وجه اجاره ملک دارد. تمام اهالی این خط از دست تعدیات و اجحافات نواب والا شب و روز گریه و زاری می‌نمایند و کسی نیست فریاد این بیچارگان را گوش بدهد. تاجه شود.

درباب روسها

از قرار تحقیق کمیسر روس، رئیس کمیسیون گنبد قابوس به اتفاق محمود آقاسرهنک قزاق نوشته برای رودگران درست نموده پیر مردان و ریش سفیدان تراکمه داز الی قجق و قان یخمز مهر نمایند که رودگران متعلق است به دولت روس. ایضاً رودخانه

آبی که متعلق است به حاج لر، چهار فرسخی گنبد قابوس، به امر کمیسر آن آب را به گنبد قابوس آورده است. از قدیم و تازگی هزار نفر متجاوز اتباع روس نازن و بچه به گنبد آمده مشغول به کشت و زرع می باشند، در مشرقی گنبد قابوس چند اطاق می سازند و چهارده نفر مرد و زن برای حکمت و جراحی^{۳۰۲} مأمور هستند. این حرکات فقط تصرف مالکانه است که روسها در این سرحد^{۳۰۲} می نمایند.

درباب فروش ملك

سابقاً شرحی از شیخ محمدباقر فاضل به عرض رسانیده است. دوسه مرتبه ملك دولت را که واقع است در محلات کتول شش فرسخی مشرقی استرآباد به روسها فروخته، آن پولها را تمام نموده این چندروزه مجدداً دو هزار جریب اراضی کتول که متعلق است به دولت به تجار روس فروخته به مبلغ نود هزار منات که تخمیناً پنجاه هزار تومان پول ایران می شود آقاخان امیرامجد حاکم کتول مدعی شده قونسول روس بین ایشان را اصلاح می نماید. سی هزار منات توسط قونسول بامیرزاعلی اکبرخان و کارگذار با ایالت وپرش و منشی قونسولگری حق اصلاح و دلالی برداشتند. سی هزار منات قرار است به امیرامجد بدهند و سی هزار منات هم تعلق به شیخ محمدباقر می گیرد که ملك دولت را فروخته است. این نود هزار منات به همین ترتیب تقسیم شده است. تا چه اقتضا کند.

درباب تعمیر راه

راه باغ گلبن يك فرسخی مشرقی که خریداری قونسول روس است سرکار کربلائی علی نجارباشی شوسه^{۳۰۵} می نمایند. میرزاعلی اکبرخان گماشته سپهدار از بابت وجوهات املاك خالصه این يك فرسخی را تلفون کشیده و خیابان توی شهر را از جلوخان قونسولخان، تابیرون دروازه فوجرد، سمت شمالی شهر تعمیر و سنگ فرش و پلهای خروبه را آباد نموده که درشکه و ارابه روسها به سهولت رفت و آمد می نمایند.

نمره ۷۰

۵ ماه آپریل ۱۹۱۴

درباب تعمیر راه

از قراسو که منزل لیانازوف، مشهور به ملاکیله در شمالی قریه کردمحله واقع شده

۳۰۳- اصل: جراحی.

۳۰۴- يك کلمه ناخوانا. (خوانده شد.)

۳۰۵- در اوایل ورود اصطلاح «شوسه» مردم بین کلمه را «شته» و قرین «شته و رفته»

می دانستند.